



در رساله مجاز امام صادق علیه السلام

## اصول فقه (بحث چهارم - اصول عملیه)

تنبیهات استصحاب (قسم سوم)

جلسه ۴۷۸

استاد شفیع

### تنبیهات

مصنف بدلیل اختصار، به دو مورد از تنبیهات چهارده گانه اشاره می کند.

استصحاب کلی بر سه قسم است:

۱. شک در بقاء کلی، بخاطر شک در بقاء همان فرد است.

از یقین به بول، که فردی از افراد حدث کلی است، یقین به حدث هم حاصل می شود، پس در بقاء آن کلی شک می شود (که این شک ناشی از شک در بقاء همان کلی است) پس همان کلی را استصحاب می کنیم.

۲. شک در کلی بخاطر تردد فرد است بین معلوم البقاء و معلوم الارتفاع.

بللی حادث شد که مردد بین بول و منی است، اگر بول باشد با وضو مرتفع می شود، و اگر منی باشد، معلوم البقاء است.

۳. شک در بقاء کلی از جهت شک در وجود فردی است بجای این فرد که معلوم الحدوث و الارتفاع

است. و این شک مستند است به احتمال وجود فردی غیر از فرد معلوم الحدوث و الارتفاع.

اگر فرد دوم وجود یافته، پس کلی، به وجود آن فرد باقی است.

حجیت قسم اول استصحاب

بلاخلاف جریان استصحاب نسبت به کلی، صحیح بوده و آثار شرعی هم بر آن مترتب می شود.

همچنان که استصحاب نسبت به فرد هم صحیح است.

## حجیت قسم دوم استصحاب

حق این است که در این قسم هم استصحاب نسبت به کلی جاری می‌شود، اما نسبت به فرد قطعا جاری نمی‌شود؛ به خاطر تردد فرد بین معلوم البقاء و معلوم الارتفاع. یعنی به وسیله استصحاب، حکم به بقاء آن فرد نمی‌شود؛ بلکه استصحاب عدم خصوصیت فرد جاری می‌شود.

## اشکال اول

توهم شده عدم جریان اصل استصحاب در قدر مشترک یعنی کلی، بخاطر دوران امر بین فرد مقطوع الارتفاع و بین فرد مشکوک الحدوث است. نسبت به فرد مشکوک الحدوث، حکم به انتفاء می‌شود؛ بدلیل اصالت عدم حدوث؛ در نتیجه، یقین سابق وجود نخواهد داشت؟

## جواب از اشکال اول

مستشکل بین کلی و فرد، خلط کرده؛ فرد مرتفع است وجدانا یا تعبدا، اما صاحب حصه (کلی) مرتفع نیست مطلقا؛ لذا کلی مشکوک البقاء و متیقن الحدوث است، پس ارکان استصحاب تمام است.